

## کلمه زن توام بد بختی است

کلمه زن و بد بختی بطوری در مملکت ما توام گردیده که میتران بد بختی را زن و زن را بد بخت دانست این اصل مسلم و حتی در انظار عموم متوجهین اجماعاً امروزی بدبختی است اما باید دانست چه چیز است که زنان ایران را تا این حد زیون و سیه روز داشته و آنرا از حقوق حقه محروم نمود؟ به عقیده بنده علت اصلی بد بختی و باعث سیه روزی آنان اول سارک مردان ما میباشد از آن که پیش از حد تصور آنها را بایک نظر بست و حقیری مینگراند مثلاً نزد هیچ مرد ایرانی زن بمعنای انسانی نامیده نمیشود چنانچه او را قابل اطمینان و وثوق ندانسته هیچگاه طرف شور و صلاح در امورات خود نمیدانند بلکه معتقدند بر اینکه زن نایب عقل خالق است او را چون دو آب بارکش برای زحمت و خدمت دانند و از زحمات آنان ادگی قدر دان نبوده همه گونه زجر و شتم در باره اش روا میدارند حتی چنانچه زنی در انظار مرد خود خیلی محبوبه و عزیزه باشد باز از تحقیرش خود داری انکرده منتها بمنزله يك حواجر قهنتی بایک مرغ خالی فشك دانسته عوالمی



که انسان با این قیله اشیا دارد او هم با آن زن داشته نه  
 احساسات و افکاری در وجود او تصور وله حق مؤل و جوابی  
 در امورات خود باو میدهد باین قسم در تضعیف احساسات و  
 تحقیر عواطفشان کوشیده حق حیات و زندگی را با اهمیت قسوت  
 قلب و پریمی از آنان سلب مینمایند ایا کدام قانون مردان ما  
 حق داده که خود را آمر و سلطان وزن را مطیع و غیر قابل  
 اعتناء و تذکار دانند ؟ کدام عدم لیاقت و استعداد از زبان در  
 مقابل سعی و کوشش مردان برای ترقی آنان بمنصه پرور رسیده  
 که آنانرا از عواطف و احساسات زنان ما تاین حد مایوس  
 گردانیده - وای بر آن سر زمین تیره که آجا - کمتر آرزو  
 زنی زدانة آرزو - در نتیجه اینگونه رویه و عدم اعتناء  
 بمقام زنان حالت اجتماعی زن را در درجه امروزی پست و در اثر  
 اغفال همین مردان است که اوضاع تربیت و تعلیم دختران نیز به  
 بدترین درجه امکان رسیده چنانچه در طرز تربیت یک پسر و  
 یک دختر در خانواده دقت شود تفاوت و تباینی که بین این دو عنصر  
 از هر حیث منظور مهیا وند مشهود است یکی مورد محبت  
 ابرین و مرجع آمال و آرزوی آنها است و مساوی تربیت برایش



مهیا است در حالیکه برای دیگری مگر آن بعمل میاید  
 چیزی که بیش از حد موجب تعجب و تعسر است همین نکته  
 است که باوجود انتظار سریع معارف در ظرف پنجاه سال اخیر  
 متأسفانه مصادف با پدران میثوبیم که برای تحصیل اولادان ذکور  
 خود وسایل لازمه را فراهم مایل و غایبند که آنها از نمره  
 تحصیل بهره مند شوند لیکن در عین حال برای تربیت دختران  
 خود عقیده نداشته و تصور میکنند امور تحصیلی آنها را از درک  
 وظایف مادری و خانه داری باز میدارد این است که تحصیل  
 و تربیت دختران و پر خوردار شدن آنها از فواید علم و قوی  
 آنها به بکفایت از جامعه و نوده را ضعیف و فلج نگاه میدارند  
 مسبب بدبختی و جهالت اسوان و لغاتها وضع و وقتار مردان با زنان  
 و پدران با دختران است بلکه باید میدان اصلی را سریعاً اظهار  
 کرد و گفت مسؤل سبب روزی زنان اولیای امور و مسؤلین  
 معارف میباشند که آنها نیز با عقیده فعلی مردان ما همراهی  
 میکنند قطع نظر از اینکه در قوانین موضوعه قسمتی از حقوق  
 زنان را غصب و امتیازات بی موردی بمردان برخلاف مصالح جامعه  
 از قبیل محرومیت از انتخاب و غیره میدهند در طرز تطبیق و



تربیت دختران یا پسران با نظر تساوی که امی گسراند سهل  
 است بلکه در غفلت از این مسؤولیت بزرگ بر خود هیچ اعتراضی  
 وارد نمیدانند چنانچه نظری با وضاع معارف انداخته و مدارس  
 ذکور هر شهری را با مدارس انثا آن مقایسه نمائیم عدم توجه  
 و علاقه مندی بتعلیم و تربیت دختران از اخصایه های معارفی مشهود  
 است با آنکه دختران مراحل بسیاری از قوافل برای و تعالی از پسران دورند  
 باز همه گونه مساعدت از ایجاد مدارس در شهرها و نصاب  
 (ولو بطور ناآمن) و فرستادن آنها به ممالک خارجه برای  
 اخذ علوم جدیده پسران به عمل میاید چنانکه در مرکز مملکت  
 برای پسران مدارس عدیده مختلفه از ابتدائی تا متوسطه علمی  
 فنی صنعتی و غیره دایر ولی دختران از این نعمت محروم  
 حتی در تحصیلات ابتدائی آنها نیز تقاضای زیادی است و ما چون  
 میخواهیم در نقطه که در دست رس اطلاع ما است بحث کنیم  
 لذا معارف گیلان و مدارس دائره نسوان آنها تحت نظر آورده  
 تبییناتی که از نامین بودجه و تشکیل مدارس این ذکور و  
 انثا گذارده شده سخن مبرالیم . -

با وجودیکه بودجه معارفی این شهر از بوطی پنجشاهی و



تاچه بولی و عواید طرق واصل مالیه و شهریه‌ها بالغ صد هزار تومان است مع لایف پیش از چند صدم آن اختصاص به مؤسسات نسوان ندارد بطوری که مشاهده میشود در گیلان مدارس مذکور در نقاط مهمه تشکیل که تا اندازه دفع احتیاج نماید و از تشویق و مساعدت با آن دریغ نمیشود ولی برای دختران علاوه بر اینکه نقاط لازمه از وجود مدرسه اذت محروم است مدارس دائر فعلی هم نواقص بیشماری داراست باشد که تا کنون بهیچ وسیله از طرف اولیای معارف اقدامی در ترمیم آن بعمل نیامده از جمله نواقص مهمه نسوان که موجب تخریب اساس آن گردیده اول عدم علاقه مندی و وظیفه شناسی مدیرات در حوزه مسؤولیت مهمه خود میباشد که اوضاع اسفناک فعلی مدارس متوجه آنهاست

دوم طرز تدریس و تعلیم و عدم معلومات و تجربیات معلمات که باعث گمراهی اطفال و تولید زحمت آنها در امور تحصیلی فراهم میدارد

اینجا است که بدبختی زنان از طرفی بواسطه عدم اعتناء بهران و مردان بوجود آنها و از طرف دیگر بواسطه عدم



وسایل تحصیل و وضع مدارس فعلی و انداختن مری لایق و وظیفه  
شناسی که اثر ای توجهی اولیای معارف است صورت واقعی بخود  
نگرفته و آنانرا در پیداء ظلمت و تیره جهل سرگردان گذاشته  
ما با حالت کنونی تشکیلی مدارس عدیده را برای نسوان انتظار  
نداشته بلکه رفع نواقص مدارس دائیره و توجه باوضاع آنرا  
مفید تر میدانیم

کدام نقص و معایبی برای بک ملت بالاتر از این خواهد  
بود که پس از مدتها انتشار معارف هنوز برای تربیت عضو مهم  
جامعه خود مدارس صحیح و مری لایق نداشته باشد :

آه باین وصف چه لازم که باظهار نواقص دیگر برداریم  
چون انتظاری بآنها درخشان نستوانیم چه منجوقی برای حیا و وجود  
آنها . آیا مسب بدبختی و جهالت امروزی چه کسانی میباشد ؟  
انتظار داریم که بهمت کافیه زمامداران معارف که نسبت بادوار  
سابقه عملیاتشان مشغول و مدیده میشود که در خیال رفع نواقص  
معارفی میباشد نواقص مدارس فعلی نسوان را نیز در جزو  
یاد دایمتهای خود ذکر و عطف توجهی بدان مبذول دارند . -